



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
مدرسه علمیه فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) خوراسگان

موضوع:

جن در آیات و روایات

استاد راهنما:

سرکار خانم مقتدایی

پژوهشگر:

حدیث شفیعی دوست

بهار ۱۳۹۴

چکیده

جن در اصل به معنای استتار و پوشش است و به خاطر پنهان بودنش از دید بشر، به این نام خوانده شده است و به همین خاطر هم همواره بر سر این که جن در عالم وجود دارد یا خیر، بین عده‌ای از دانشمندان اختلاف نظر وجود داشته است.

انسان در هر عملی که انجام می‌دهد، به طور مسلّم هدفی را دنبال می‌کند که همواره در تمامی مراحل، رسیدن به آن اهداف مدّ نظر بوده است.

۱. در این موضوع، پاسخ به پاره‌ای از شبهات موجود پیرامون این آفریده‌های غیبی و عجیب و غریب بوده که فکر بسیاری از افراد بشر را در هر زمانی به خود وا داشته است.

۲. همچنین حل و فصل مسائل و مشکلاتی که مدتی بود دامن‌گیر عده‌ای از اطرافیان شده بود، مشکلاتی که چون هیچ کس علتی برای آن پیدا نمی‌کرد، به ناچار به موجودات نامرئی یعنی جنیان نسبت داده می‌شد و این مسائل پیچیده همچنان ادامه داشت و فکر تمامی افراد خانواده را به خود مشغول کرده بود؛ هیچ کس هم نمی‌دانست که آیا واقعاً می‌توان این مشکلات را به جنیان ربط داد یا خیر؟

به خوبی می‌توان دریافت که برخلاف پاره‌ای از تصورات غلط، جن هر چند موجودی است که از حس پوشیده و در حالات عادی از دید بشر مخفی می‌باشد، ولی واقعاً در این عالم وجود دارد و خداوند او را نیز مانند انسان با هدف عبادت خود آفریده است در حالی که انسان را بر او و بر تمامی موجودات و مخلوقات خویش، برتری بخشیده است.

کلید واژه: جن، قرآن، روایات، بشر، عبادت

از آنجا که خداوند عالم، انسان را موجودی ناطق و صاحب عقل و تفکر آفریده است، او نیز همواره می‌اندیشد تا پاسخ سوالات خود را بیابد و مجهولات موجود در عالم هستی را کشف نماید و او تاکنون توانسته است بسیاری از ناشناخته‌ها را بشناسد و مجهولات زیادی را برای خود معلوم سازد.

از جمله آفریده‌های خداوند در این جهان، جن می‌باشد. جن موجودی نامرئی بوده که بشر به طور عادی قادر به دیدن آن نیست. لذا همواره در پی راهی برای شناخت این موجود است، بهترین راه برای به دست آوردن چنین شناختی، مراجعه به قرآن و سخنان معصومین(ع) است؛ چون خداوند خود خالق جنیان است و معصومین(ع) نیز صاحب علم لدنی از جانب پروردگار هستند.

از آن جایی که جن از موجوداتی است که نام آن در قرآن آورده شده و خصوصاً سوره‌ای در قرآن به این نام وجود دارد، هر نوشته و کتابی که پیرامون قرآن بحث کرده و به تفسیر و تبیین آیات پرداخته است. از جمله: «تفسیر نمونه» تألیف آیت الله مکارم شیرازی، «دانشنامه‌ی جهان اسلام» از آقای غلامعلی حداد عادل، «یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ» از آقای ناصر مکارم شیرازی، «مبانی جهان شناسی در قرآن» از آقای عبدالله نصری، «جن و شیطان» از آقای علیرضا رجالی تهرانی، «فرهنگ آفتاب» و «فروغ بی‌پایان» از آقای عبدالمجید معادیخواه، «سفینه‌البحار» از آقای عباس قمی و «جنیان و جن زدگان» از میم آشتیانی که درباره‌ی جن مطرح شده است.

با وجود تمامی آیات و روایاتی که درباره‌ی جن وجود دارد، ولی باز هم بسیاری از مردم به ویژه عوام، به خاطر نامرئی بودن جن، شناخت نادرستی از این موجود دارند، به طوری که گروهی به کلی وجود او را انکار می‌کنند و گروهی دیگر که وجود او را باور دارند، خرافات زیادی درباره‌ی او درست کرده‌اند؛ به طوری که هر وقت حرفی از جن به میان می‌آید، آن را موجودی پلید و سیاه و گاهی دارای سم و شاخ تصور می‌کنند که همواره در پی آزار و اذیت انسان‌ها هستند و این عوامل باعث شده که مردم نتوانند حقیقت را از دروغ تشخیص بدهند و بازار رمال و فال‌گیران بسیار داغ است. در این تحقیق، سعی شده است در مورد جن و خرافات درباره‌ی او بررسی شود.

اعتقاد به وجود جن

بحث وجود داشتن یا نداشتن جن و چگونگی آن، از قدیم میان دانشمندان مسلمان مطرح بوده است. برخی از عالمان مسلمان، اعتقاد به وجود جن را اجماع مذاهب و فرق اسلامی دانسته‌اند و حتی برخی از جمله فخر رازی ادعا کرده‌اند که همه پیروان و تصدیق‌کنندگان انبیاء نیز به وجود داشتن جن، اعتراف دارند. برخی اشعریان، فلاسفه و قدریه و معتزلیان، نخستین را منکرات وجود جن دانسته‌اند اما از هیچ کس نامی نبرده و سخنی دال بر انکار جن از آنان نقل نکرده‌اند، جز اینکه شهرستانی، نظام بصری را منکر وجود جن معرفی کرده است.

البته می‌دانیم که مردم عوام و ناآگاه، خرافات زیادی در مورد این موجود ساخته‌اند که با عقل و منطق جور در نمی‌آید و به همین جهت، یک چهره خرافاتی و غیرمنطقی به این موجود داده که وقتی کلمه جن گفته می‌شود، مشتی خرافات نیز با آن تداعی می‌شود، از جمله اینکه: آنها را با اشکال عجیب و غریب و وحشتناک و موجوداتی دم‌دار و سم‌دار، موزی و پرآزار، کینه‌توز و بدرفتار که ممکن است از ریختن یک ظرف آب داغ در یک نقطه خالی، خانه‌هایی را به آتش بکشند، ترسیم می‌کنند. در حالی که اگر موضوع وجود جن از این خرافات پیراسته شود، اصل مطلب کاملاً قابل قبول است؛ چرا که هیچ دلیلی بر انحصار موجودات زنده به آنچه ما می‌بینیم، نداریم، بلکه علما و دانشمندان علوم طبیعی می‌گویند: موجوداتی را که انسان با حواس خود می‌تواند درک کند، در برابر موجوداتی که با حواس قابل درک نیستند، ناچیز است.

تا این اواخر که موجودات زنده ذره‌بینی کشف نشده بود، کسی باور نمی‌کرد که در یک قطره آب یا یک قطره خون، هزاران موجود زنده باشد که انسان قدرت دید آنها را نداشته باشد. همچنین دانشمندان می‌گویند: چشم ما رنگ‌های محدودی را می‌بیند و گوش ما امواج محدودی را می‌شنود، رنگ‌ها و صداهایی که با چشم و گوش ما قابل درک نیست، بسیار بیش از آن است که قابل درک است.^۱

۱- حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، ص ۷۹۶

قرآن، کلام صادق ناطق، در آیات مختلفی از جمله آیات سوره جن و سوره الرحمن، از وجود جن و خصوصیات او خبر می‌دهد. به همین دلیل علمای اسلام معتقدند که عقیده به وجود جن و ملک، از فرائض است و البته اگر قرآن بشر را به این معارف دلالت و رهبری نمی‌کرد، بشر از عقل و خرد خود به این حقیقت آشنا نمی‌شد. این نکته قابل توجه است که جن گاهی بر یک مفهوم وسیع اطلاق می‌شود که انواع موجودات ناپیدا را شامل می‌شود اعم از آنها که دارای عقل و درکند و آنها که عقل و درک ندارند و حتی گروهی از حیواناتی که با چشم دیده می‌شوند و معمولاً در لانه‌ها پنهانند نیز در این معنی وسیع وارد است. به عنوان مثال در بعضی از روایات از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌خوانیم که فرمود: «لاتشرب الماء من ثلمه الاناء و لا من عروته، فان الشيطان يقعد على العروه و الثلمه»

یعنی: از قسمت شکسته ظرف و طرف دستگیره، آب نخورید زیرا شیطان، روی دستگیره و قسمت شکسته می‌نشیند.

با توجه به اینکه شیطان از جن است و با توجه به اینکه جای شکسته ظرف و همچنین دسته آن، محل اجتماع انواع میکروب‌هاست، بعید به نظر نمی‌رسد که جن و شیطان به مفهوم عام، اینگونه موجودات را شامل می‌شود، هر چند معنی خاصی هم دارد، یعنی به موجودی گفته می‌شود که داری فهم و شعور و مسئولیت و تکلیف است. علاوه بر قرآن کریم، در سخنان اولیاء خدا هم به وجود جن اشاره شده است و این دلیلی دیگر بر اثبات وجود جن می‌باشد^۱.

اصل خلقت جن

این سوال مطرح است که آیا منظور از آتشی که جن از آن آفریده شده، همین آتش معمولی است که بر اثر ترکیب اجسام قابل احتراق با اکسیژن به وجود می‌آید یا چیز دیگر است؟

۱- مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، صص ۵۵۴-۵۵۳

می‌دهند و به ظاهر هم چنین به نظر می‌آید که از اسرار پشت پرده باخبرند، ولی در حقیقت چنین نیست؛ زیرا چنان‌که در قرآن آمده، جن و شیطان، انسان را می‌بینند اما انسان جز در موارد نادر هم تحت شرایطی، نمی‌تواند آنها را مشاهده عیانی داشته باشد: «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ»^۱.

بنابر این ممکن است هنگام وقوع کاری یا بیان کردن سخنی، جن حضور داشته باشد و وقتی از زمان، شخص و چگونگی آن مسأله توسط تسخیرکنندگان پرسش می‌شود، پاسخ مناسب و درستی ارائه نمایند و اگر خود حضور نداشته، از هم‌نوعان خود که در جریان ماجرا قرار دارند، پاسخ را جویا شده و به انسان بیان کند. از این رو آدم می‌پندارد مدیوم یا مرتاض یا تسخیرکننده به وسیله جن از غیب خبر می‌دهد!

همچنین در روایاتی از سوره جن آمده که جنیان قبل از بعثت رسول اکرم (ص) به آسمان‌ها رفته و در آنجا استراق سمع می‌کردند تا خبرهای آسمانی را به دست آورند. اگر جن علم غیب می‌دانست، دیگر لازم نبود برای استراق سمع به آسمان‌ها برود و همچنین وقتی که به وسیله‌ی شهاب‌های آسمانی از این کار منع شدند، چون علت این ممنوعیت را نمی‌دانستند، به جستجوی علت پرداختند که اگر علم غیب داشتند، نیازی به جستجو نبود.^۲

حضرت سلیمان در حالی که تکیه بر عصا داشت، از دنیا رفت و کسی متوجه مردن این پیامبر عظیم‌الشان با آن همه عظمت نشد و هم‌چنان در حال تکیه بر عصا بوده و از انس و جن هم کسی متوجه واقع مطلب نبوده تا آنکه خداوند مهربان، موریانه‌ای را مأمور می‌کند تا عصای سلیمان را بخورد و عصا از کمر بشکند که وی مرده است و جن به دست آورد که ای کاش، علم غیب داشت و ایام یک سال را با عذاب و خفت بیهوده عمل نمی‌کرد.

بنابر این از این جا استفاده می‌شود که جن، علم غیب ندارد و اصلاً اغراضی که یک سال حضرت سلیمان ایستاده بود و در حالی که مرده بود، همین بود که فهمیده شود جن‌ها، علم غیب ندارند و نمی‌توانند.

۱- سوره اعراف، آیه ۲۷

۲- رجالی تهرانی، علیرضا، جن و شیطان، صص ۸۱-۸۰

علاوه بر این در قرآن کریم، علم غیب چه برای انسان و چه برای جن، نفی شده است، مگر عده‌ای محدود که خداوند آنها را شایسته و بر اساس حکمتش ایشان را از غیب باخبر گرداند: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا»^۱.

ازدواج جن با انسان

عرب‌ها، ازدواج بین انسان و جن را مقدور می‌دانستند و معتقد بودند که جنیانی که عاشق بنی آدم می‌شوند، ممکن است معشوقشان را بدزدند. قصه قصر در کتاب ألف لیله و لیله نیز درباره عشق جنیه‌ای به نام میمونه به شاهزاده‌ای به نام قمرالزمان و عشق جنی کافر به نام دهنش به دختر شاهی دیگر است. عشق بین آدمی و جن، موضوع برخی از کتاب‌های داستانی بوده است. گاهی از ازدواج جن و انسان، فرزندی نیز متولد می‌شوند و به همین مناسبت برخی قبایل عرب، خود را از احفاد جنیان می‌دانستند.

در تفسیر ابوالفتوح رازی آمده که مادر بلقیس، جنیه‌ای به نام ریحانه بود و به این ترتیب همسر سلیمان(ع) نیمه جنی بوده است و از این رو جنیانی که در خدمت آن حضرت بودند، می‌ترسیدند که اگر از ازدواج بلقیس با او فرزندی به وجود بیاید، آن‌ها مجبور شوند تا ابد در خدمت حضرت سلیمان بمانند و به همین سبب می‌کوشیدند بلقیس را از چشم سلیمان بیندازند، تا جایی که به او می‌گفتند: بلقیس دیوانه است. برخی از کسانی که ازدواج بین جن و انسان را ممکنه می‌دانستند، معتقد بودند که چون جنی عاشق آدمی شود و در جلدش برود، آن شخص مبتلا به مرض صرع می‌گردد.

اخبار و حکایات زیادی درباره‌ی ازدواج یک انسان با جن و نیز مناسبات عاشقانه میان آنها گزارش شده است و مجلسی تصریح کرده که مردی دانشمند و اهل قرآن را دیده است که چهار زن از جنیان را یکی پس از دیگری، به همسری گرفته است.

۱- سوره جن، آیات ۲۷-۲۶

۲- آشتیانی، میم، جنیان و جن زدگان، ص ۱۳۴

شبلی، تصریح کرده است که انگیزه‌ی اصلی‌اش از تألیف کتاب «آکام المرجان فی الحکام الجان»، پاسخ به این سؤال بود که آیا نگاه بین جن و انسان جایز است؟ وی قول فقیهان را مبنی بر جایز نبودن نکاح جن و انسان، نقل کرده است و از این تابعین، آن را مکروه دانسته‌اند، نتیجه گرفته است که امکان وقوع آن هست^۱.

نام ابلیس

اسم ابلیس (شیطان) قبلاً حارث بوده و بعد از اینکه از دستور خداوند تخطی می‌کند و از درگاه الهی رانده می‌شود، خداوند اسم او را ابلیس می‌گذارد، چون ابلیس به معنای حزن و اندوه است که از شدت یأس و ناامیدی حاصل شود و شیطان وقتی از درگاه ربوبی رانده شد، چنین حالتی داشت.

و در حالات گنهکاران و اهل جهنم نیز در قیامت چنین تعبیری در سوره روم، آیه ۱۲ آمده که می‌فرماید:

«وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ»؛ و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان نومید می‌گردند^۲.

صفات ابلیس در کلام علی علیه السلام

امیرالمومنین در خطبه قاصعه از ابلیس به عنوان امام المعتصبین یاد می‌کند:

پس شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصب‌ها و سلسله متکبران است، که اساس معصیت را بنا کرد، و بر لباس کبرiایی و عظمت با خدا و افتاد، لباس بزرگی را بر تن پوشیده، و پوشش تواضع و فورتنی را از تن کند.

آیا نمی‌نگرید که خدا به خاطر خودبزرگ‌بینی، او را کوچک ساخت؟ و به جهت بلندپوازی او را پست و خوار

گردانید در حالی که شش هزار سال عبادت نمود که مشخص نمی‌باشد از سال‌های دنیا یا آخرت است.

از این رو هر کس که می‌گوید: «من» و خود را در برابر خدا می‌بیند، از امت شیطان است و شیطان، امام اهل

تعصب است. اولین معصیتی که در جهان اتفاق افتاده، همان دعوی استقلال بنده در برابر مولا بود^۳.

۱- حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، صص ۷۹۸-۷۹۷

۲- رجالی تهرانی، علیرضا، جن و شیطان، صص ۳۲-۳۱

۳- همان، صص ۴۹-۴۸

نتیجه:

به خوبی می‌توان دریافت که برخلاف پاره‌ای از تصورات غلط، جن هر چند موجودی است که از حس پوشیده و در حالات عادی از دید بشر مخفی می‌باشد، ولی واقعاً در این عالم وجود دارد و خداوند او را نیز مانند انسان با هدف عبادت و پرستش خویش آفریده است، در حالی که انسان را بر او و تمامی موجودات و مخلوقات خویش، برتری و فضیلت بخشیده است.

همچنین شایعاتی که عده‌ای از افراد ناآگاه پیرامون جنیان ساخته‌اند و آن را نسل به نسل منتقل کرده‌اند، برخلاف واقع بوده و با آنچه خداوند حکیم و اولیاء او درباره این موجودات می‌گویند، بسیار متفاوت است. اکثر افراد جامعه چنین می‌اندیشند که تمام جنیان، موجوداتی شرور و مودی و بسیار وحشتناک می‌باشند و بشر برای رهایی از شر آنها راهی جز پناه بردن به فالگیرها را ندارند!

اما به واقع این طور نیست، جنیان تفاوت‌هایی با انسان دارند، ولی برخی از آنها مؤمن به خدا و پیغمبر و روز جزاء هستند و مکلف به تکالیف الهی می‌باشند و نه تنها آزاری به انسان‌ها نمی‌رسانند، بلکه در مواقع نیاز، به انسان‌های مؤمن کمک کرده و آنها را راهنمایی می‌کنند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- ۱- آشتیانی، میم، جنیان و جن زدگان، واریان، بی‌جا، ۱۳۸۶.
- ۲- حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، تهران، ۱۳۸۵.
- ۳- رجالی تهرانی، علیرضا، جن و شیطان، نبوغ، تهران، ۱۳۷۵.
- ۴- قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۱، چاپ اول، موسسه میلاد، تهران، ۱۴۱۴.ق.
- ۵- معادیخواه، عبدالمجید، فروغ بی‌پایان، ذره، تهران، ۱۳۷۸.
- ۶- معادیخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، ذره، تهران، ۱۳۷۶.
- ۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۰.
- ۸- مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، نشر برگزیده، قم، ۱۳۷۷.
- ۹- نصری، عبدالله، مبانی جهان‌شناسی در قرآن، واحد تولید امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳.